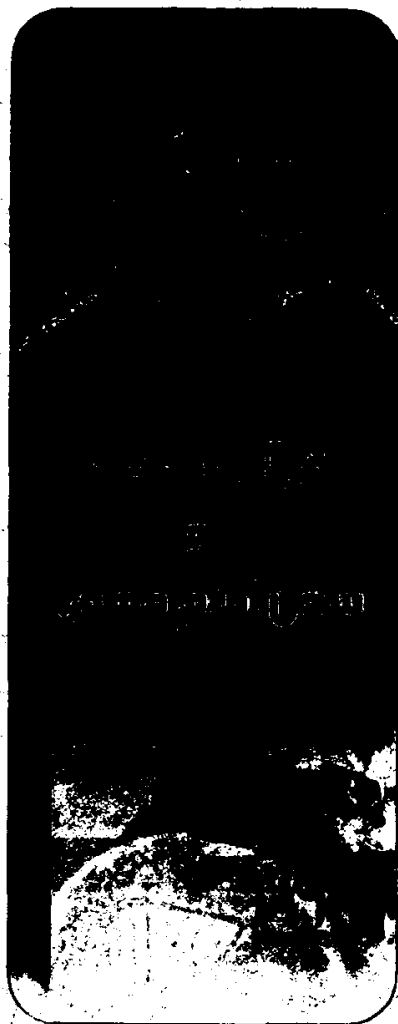


شده است که این اشارات را پیامبر ﷺ و معصومان علیهم السلام در ذیل ۲۷۰ آیه تفسیر و تبیین کرده‌اند. و هر یک از سوره‌های قرآنی از یک تا پانزده آیه و گاهی تمام یک سوره به قیام و انقلاب حضرت مهدی تفسیر شده است مفسران عالی قدر به این روایات در ذیل آیات مربوط اشاره کرده‌اند.

از یک نگاه می‌توان گفت که روز ظهور امام مهدی علیه السلام روز تأویل قرآن است. محدث بزرگوار علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه ﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ﴾؛ آیا آنها انتظار تأویل آیات دارند؟ آن روز که تأویل آنها فرارسد، فرموده: این آیه درباره حضرت قائم علیه السلام و روز قیامت است.^۲

امام مهدی علیه السلام مصداق بارز قرآن ناطق است که با آمدن وی همه آیات قرآن تفسیر می‌شود، قرآن بر جهان حکومت می‌کند، از مہجوریت بیرون می‌آید، همه مردم به معارف ناب آن به سرعت دست پیدا می‌کنند و حتی ضعیف‌ترین افراد جامعه به این موهبت الهی خواهند رسید.

آن حضرت را به حق می‌توان فرزند قرآن دانست. او با غیر از قرآن انسی ندارد و او است که پیش از ولادت در شکم مادر قرآن می‌خواند و نیز در حین ولادت و پس از آن، یا به تلاوت قرآن می‌پرداخت و یا به آن استدلال می‌کرد. این نوشتار



طلیعه

در هشتاد و دو سوره از قرآن کریم به اشاره و اجمال از حرکت عظیم الهی امام مهدی علیه السلام پرده برداشته

به چند دوره از زندگانی امام مهدی علیه السلام و به سیره و سخن او می‌پردازد.

دوره نخست: پیش از ولادت

اگر چه خواندن قرآن و یا سخن گفتن در جنین مادر امری برخلاف عرف و عادت است، اما این امر در خاندان وحی و نبوت و در بین فرزندان فاطمه و علی بسیار عادی بوده است؛ چرا که در حالات هر یک از معصومان علیهم السلام آمده است که پیش از ولادت سخن می‌گفته و یا قرآن می‌خوانده است؛ از جمله امام مهدی که این چنین بود.

حکیمه دختر امام جواد علیه السلام که به دعوت امام حسن عسکری علیه السلام شب را در خانه امام بیتوته کرده بود، گوید: وقتی که نیمه شب فرارسید، من و نرجس نماز شب خواندیم، سپس پیش خود گفتم سپیده دم نزدیک شده، اما هنوز حملی از او ظاهر نشده است که حضرت ابومحمد عسکری از درون حجره صدا زد که شتاب مکن. گوید از روی شرمساری به حجره برگشتم که نرجس به استقبالم شتافت؛ در حالی که به خود می‌لرزید. من نیز او را به سینه‌ام چسباندم و سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را و سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» و آیه الکرسی را بر او خواندم. هر چه را می‌خواندم، آن جنین نیز که در شکم او بود، همراه من می‌خواند.^۱

در روایت دیگری آمده که امام حسن عسکری به من امر کرد تا بر او «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» را بخوانم. وقتی که خواندم، از درون نرگس شنیدم آنچه را که می‌خواندم، جنین نیز می‌خواند و به من سلام می‌کند. من از این جریان بسیار ترسیده بودم که امام صدا زد: هرگز! از امر پروردگار شجب نکن؛ چرا که پروردگار در کودکی حکمت را بر زبان ما جاری می‌سازد و در بزرگی ما را حجت خود در روی زمین قرار می‌دهد.^۲ در همین گفتگو که میان حکیمه دختر امام جواد و امام حسن عسکری علیه السلام بود، امام به عمه‌اش فرمود: «وَإِن الصَّبِيَّ مَنَا يَتَكَلَّمُ فِي بَطْنِ أُمِّهِ وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَيَعْبُدُ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ؛ كَوَدَّكَانَ مَا دَرَّ شَكْمَ مَدَارِ خُودِ سَخْنِ مِي كُونِدَ وَ قُرْآنَ مِي خُونَدَ وَ خُدَايَ خُودَ رَا عِبَادَتِ مِي كُنْدَ»^۳.



دوره دوم: هنگام ولادت

امام مهدی علیه السلام به هنگام ولادت علاوه بر اینکه برخی آیات قرآن مجید را می‌خواند، تمام قرآن کریم بلکه تمام کتاب‌های آسمانی را نیز تلاوت می‌کرد. شیخ طوسی به سند خود از حکیمه دختر امام نقل کرده: وقتی که امام مهدی علیه السلام به دنیا آمد، امام عسکری علیه السلام دستی بر سر مبارک فرزندش کشید و به او فرمود: فرزندم! به قدرت خداوند سخن گوی. پس ولی خدا از شیطان رجیم به او پناه برده چنین گفت: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَوْلَايَيْنَ وَنُكِنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ...»؛ ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم...». آن گاه بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و بر علی امیرمؤمنان و بر هر یک از امامان درود فرستاد تا اینکه به پدر بزرگوارش رسید.^۴

تلاوت کتب آسمانی

همچنین حکیمه دختر امام جواد علیه السلام از ماجرای لحظه ولادت امام مهدی چنین سخن گوید: پس امام حسن عسکری علیه السلام صورت و دو دست و دو پای فرزندش را بوسید و آن گاه زبان خویش را در دهان او گذارد؛ همانند پرندگان که غذا در دهان جوجه

خود می‌گذرانند. سپس به او فرمود: بخوان! پس او شروع به خواندن قرآن کرد و از بسم الله الرحمن الرحیم آغاز کرد تا قرآن را به پایان رسانید.^۵ حکیمه می‌گوید: در هفتمین روز از ولادت امام مهدی بر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شدم و بر او سلام گفتم و در محضرش نشستم. امام فرمود: فرزندم را بیناوار، پس او را آوردم؛ در حالی که لباس‌های زرد رنگی بر تن داشت. امام عسکری علیه السلام همانند روز اول زبانش را در دهان او قرار داد و فرمود: فرزندم! سخن بگو. و سپس فرمود: فرزندم! بخوان، هر آنچه را که خداوند بر پیامبران و رسولانش نازل کرده است. او نیز به زبان سریانی شروع به خواندن صحف آدم علیه السلام کرد. همچنین کتاب حضرت ادریس، کتاب حضرت نوح، کتاب حضرت هود، کتاب حضرت صالح، صحف حضرت ابراهیم، تورات حضرت موسی، زبور حضرت داود، انجیل حضرت عیسی و فرقان جدم رسول الله صلی الله علیه و آله را تلاوت فرمود. سپس به نقل داستان‌های پیامبران و مرسلین پرداخت و آنها را یکی پس از دیگری ذکر کرد تا به زمان حضرت امام عسکری علیه السلام رساند.^۶

دوره سوم: دوران کودکی

از دو گفتگویی که حضرت امام مهدی علیه السلام در زمان پدر و در دوران کودکی خویش داشته، روشن

می‌شود که حضرت ضمن بیان برخی آیات قرآن به پرسش‌های قرآنی نیز پاسخ داده است. حضرت در گفتگو با سعد بن عبدالله اشعری قمی در بیان مراد خداوند از ﴿إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾^{۱۰} می‌فرماید که یعنی: «ای موسی! محبت اهل خود را از قلبت بیرون کن» و آنگاه به مقصود از کهیصص^{۱۱} می‌پردازد و در آخر به آیه شریفه ﴿وَاخْتَارَ مُوسَى قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِمِيقَاتِنَا...﴾^{۱۲} پرداخته، راه و روش گفتگو را با دشمنان به سعد بن عبدالله می‌آموزد.^{۱۳}

گفتگو با کامل بن ابراهیم مدنی

محمد بن انصاری روایت کرده است: گروهی از مقوضه کامل بن ابراهیم مدنی را نزد امام حسن عسکری علیه السلام فرستاند. او می‌گوید: با خود گفتم: وقتی خدمت آن حضرت رسیدم، درباره حدیثی که از او روایت شده، بیرسم که فرموده است جز کسی که حق مرا نشناسد، وارد بهشت نخواهد شد. وقتی که وارد شدم، کنار دری که پرده‌ای آن را پوشانده بود، نشستم. در همان حال بادی وزید و گوشه‌ای از پرده کنار رفت. ناگاه جوانی را چون پاره ماه دیدم که حدود چهار بهار از عمر او می‌گذشت. به من فرمود: ای کامل بن ابراهیم! من از سخنش بر خود لرزیدم و گفتم: بلی، مولای من ...!

سپس فرمود: آمده‌ای درباره سخن مقوضه بررسی؟ آنان دروغ گفتند، بلکه دل‌های ما ظرف‌های مشیت و اراده خدای عزوجل است. هر گاه بخواهد، ما هم می‌خواهیم و خداوند در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ...﴾^{۱۴}. امام عسکری به من فرمود: چرا نشسته‌ای؟ پرسشت را پاسخ داد. به پا خیز، و من برخاستم.^{۱۵}

دوره چهارم: دوران غیبت صغرا

غیبت صغرا هفتاد و اندی سال به طول انجامید. در این مدت حضرت امام مهدی علیه السلام ملاقات‌های بسیار محدودی داشت و گاه در پاسخ به سخن برخی مدعیان، یا در بیان علت غیبت و یا در ردّ برخی از افراد و گروه‌ها و جریان‌ات انحرافی نامه‌هایی را می‌نویسد که برخی از آنها را نقل می‌کنیم.

پاسخ نامه احمد بن اسحاق

طبرسی از سعد بن عبدالله اشعری و او از شیخ صدوق روایت کرده: یکی از یاران ما خدمت احمد بن اسحاق بن سعد اشعری رسید و به وی اطلاع داد که جعفر بن علی نامه‌ای به او نوشته و خودش را به وی معرفی کرده و بدو اعلان داشته که وی پس از برادرش امام عسکری علیه السلام امام است و به حلال و حرام و بر همه علوم و دانش احاطه دارد.

احمد بن اسحاق گوید: وقتی نامه او را خواندم، نامه‌ای به صاحب الزمان علیه السلام نوشتم و نامه جعفر را ضمیمه آن کردم. حضرت چنین پاسخ داد: به نام خداوند بخشنده مهربان. نامه‌ات و نامه‌ای که همراه آن بود، به من رسید. خداوند تو را حفظ فرماید! بر اختلاف الفاظ و اشتباهات مکرر آن نامه آگاه شدم و اگر شما هم دقت می‌کردی، به برخی از آن اشتباهات پی می‌بردی ... او با ادعایی که کرده، بر خدا دروغ بسته است. نمی‌دانم او چگونه می‌خواهد ادعایش را ثابت کند؛ آیا (ادعای او) به (سبب) آشنایی‌اش با احکام دین است؟ به خدا سوگند! نه حلال و حرامی می‌داند و نه خوب و بد را از یکدیگر تمیز می‌دهد. آیا این کار را با علم و دانش خود انجام می‌دهد؛ در صورتی که او حق را از باطل و محکم را از متشابه باز نمی‌شناسد و حدود نماز و وقت آن را نمی‌داند. آیا همه اینها از سر تقواست؟ خدا گواه است که او چهل روز نماز واجب را ترک کرد. این دعا برای شعبده بازی است. شاید خبر آن به شما برسد که هنوز ظرف‌های میگساری او برقرار و آثار گناه و معصیت و تمرد او بر خداوند عیان و پابرجاست و شاید می‌خواهد این کار را با معجزه انجام دهد. اگر راست می‌گوید، معجزه‌ای بیاورد و یا با دلیلی آن کار را انجام دهد و اگر راست‌گو است، آن دلیل را اقامه کند و اگر این امر را با دلیل و

برهان انجام می‌دهد، در این صورت دلیلش را ذکر کند. خدای عزوجل در کتاب خویش می‌فرماید: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَم تَنْزِيلِ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى...﴾^{۱۶}؛ «هم این کتاب از سوی خداوند عزیز و حکیم نازل شده است. ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که در میان این دو است، جز به حق و برای وقت معینی نیافریدیم، اما کافران از آنچه انذار می‌شوند، روی گردان‌اند. به آنان بگو: این معبودهایی را که غیر از خدا پرستش می‌کنید، به من نشان دهید. چه چیزی از زمین را آفریده‌اند یا شرکتی در آفرینش آسمان‌ها دارند؟ کتابی آسمانی پیش از این یا اثر علمی از گذشتگان برای من بیاورید، اگر راست می‌گویند! چه کسی گمراه‌تر است از آن کسی که معبودی غیر خدا را می‌خواند که تا قیامت هم به او پاسخ نمی‌گوید و از خواندن آنها بی‌خبر است. و هنگامی که مردم محشور می‌شوند، معبودهای آنها دشمنانشان خواهند بود، حتی عبادت آنها را انکار می‌کنند؟!»^{۱۷}

پاسخ اسحاق بن یعقوب

در پاسخ نامه‌ای که به وسیله عمروی به اسحاق بن یعقوب نوشت، چنین آمده است: «و اما علت

غیبت این است که خداوند عزوجل می گوید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَن أَسْيَاءِ إِن تَبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ﴾^{۱۸}؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهایی نپرسید که اگر برای شما آشکار گردد، شما را ناراحت می‌کند.

هیچ یک از پدرانم نیستند، مگر آنکه بر عهده‌اش بیعتی از طاغوت زمان خود باشد و هنگامی که من خارج می‌شوم، هیچ بیعتی از طاغوت‌ها بر من نخواهد بود.^{۱۹}

فضیلت سوره توحید و قدر

در نامه‌ای محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری به امام زمان علیه السلام می‌نویسد: در ثواب قرائت قرآن در نمازهای فریضه از عالم علیه السلام رسیده است که فرمود: تعجب است از کسی که در نمازش، ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ نخواند، چگونه نمازش پذیرفته می‌شود؟ همچنین روایت شده: هیچ نمازی رشد و نمو نمی‌کند، در صورتی که در آن ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ خوانده نشود. امام در پاسخ فرمود: مقدار ثواب در سوره‌ها به همان اندازه‌ای است که روایت در مورد آن وارد شده است. و اگر سوره‌ای را که خواندنش ثواب دارد، رها کند و به جایش ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ را به خاطر فضیلتشان بخواند، هم ثواب این دو سوره و

هم ثواب سوره‌ای که ترک کرده، به او داده می‌شود. همچنین جایز است غیر از این دو سوره را بخواند و نمازش هم تمام است، ولی این شخص فضیلت و پاداش رها کرده است.

بیزاری از غالیان

در نامه‌ای که از حضرت امام مهدی علیه السلام در رد غالیان و بیزاری از ایده‌های باطلشان صادر شده، آن حضرت به محمد بن علی بن هلال کرخی چنین نوشته است:

«ای محمد بن علی! خدای متعال اجل است از آنچه توصیفش می‌کنند. (بدان که) ما هرگز شریکان خدا در علم و قدرتش نیستیم، بلکه علم غیب را کسی جز او نمی‌داند؛ همان گونه که در کتاب محکم خود فرموده: ﴿قُلْ لَا يَغْلِبُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبُ إِلَّا اللَّهُ﴾؛ بگو که در آسمان‌ها و زمین جز خداوند کسی غیب را نمی‌داند.»

من و تمام پدرانم از گذشتگان همچون حضرت آدم و نوح و ابراهیم و موسی و غیر اینان از انبیا و همچنین از آخرین که رسول خدا و علی بن ابی‌طالب و غیر اینان از امامان گذشته تا روزهای ظهور و انتهای دورانم، همه ما بندگان خدای هستیم. و او می‌فرماید: ﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَنَّا

ذَكَرَى فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى﴾^{۲۱}؛ هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی سخت و دشواری خواهد داشت و روز قیامت او را نابینا محسوس می‌کنیم، می‌گوید: پروردگارا! چرا نابینا محسوسم کردی، من که بینا بودم؟ می‌فرماید: آن گونه که آیات ما برای تو آمد و تو آنها را فراموش کردی، امروز نیز تو فراموش خواهی شد.

ای محمد بن علی! افراد نادان و ابلهان و سبک‌مغزان از شیعه، ما را (به خاطر برخی از سخنان آزار داده‌اند. پس خدا را که جز او نیست و شهادت همو برای ما بس است، شاهد می‌گیرم و همچنین پیامبر صلی الله علیه و آله را و تمام فرشتگان و پیامبران الهی و اولیای او و تو را و هر کس که بر این نام آگاهی یافت، شاهد می‌گیرم که من از کسی که درباره ما بگوید که (بدون تعلیم الهی) علم غیب می‌دانیم، به خدا بیزاری می‌جویم و یا اینکه بگوید ما در ملک و پادشاهی خداوند شریک هستیم و یا اینکه بخواهند برای ما جایگاهی غیر از جایگاهی که خداوند برای ما پسندیده است و برای آن آفریده شده‌ایم، قرار دهند...»^{۲۲}

رهایی از سرگردانی

شیخ طوسی به سند خود از غنی بن ابراهیم رازی نقل کرده: فردی مورد وثوق در مدینه السلام برای من نقل کرد که در پی مشاجره و گفتگوی ابن‌ابی‌غانم قزوینی و جماعتی از شیعیان درباره‌ی جانشین پس از امام حسن عسکری علیه السلام و گفته ابن‌ابی‌غانم که امام بدون جانشین از دنیا رفته است، عده‌ای از همان‌ها نامه‌ای نوشتند و آن را به ناحیه فرستادند و امام را از ماجرای گفتگو و مشاجره باخبر ساختند. پس جواب آنها به خط مبارک امام زمان علیه السلام چنین آمد:

«بسم الله الرحمن الرحيم. خداوند ما و شما را از گمراهی و فتنه‌ها سلامت بدارد و به ما و شما روح یقین عنایت بفرماید و ما و شما را از سوء عاقبت پناه دهد! به من خبر رسیده که گروهی از شما در دین و همچنین در مورد والیان امورتان به شک و تردید افتاده‌اید که این اختلاف ما را به خاطر خود شما اندوهگین کرده است... ای مردم! شما را چه شده است که پیوسته در شکه سرگردانید و در حیرت و سردرگمی، واژگون و وارونه هستید؟ آیا فرمایش خدای عزوجل را نشنیدید که می‌گوید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^{۲۳}؛ ای کسانی که ایمان

آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر خدا و اولوا الامر را اطاعت کنید.

آیا ندانستید آنچه را که نقل شده از حوادث و رویدادها، همه‌اش درباره امامان گذشته و باقی‌ماندگان آنهاست؟ آیا ندیدید که چگونه خداوند برای شما دژ و پناه قرار داد تا به سوی آنها پناه ببرید و نیز نشانه‌هایی را روی زمین قرار داد تا در پرتو همان‌ها راه را بیابید؟ از زمان حضرت آدم علیه السلام تا اینکه ماضی علیه السلام ^{۲۴} ظاهر شد و هر گاه یکی از آن نشانه‌ها غایب شد، نشانه دیگر ظاهر می‌گشت و اگر ستاره‌ای غایب می‌شد، ستاره دیگر طلوع می‌کرد. حال که خداوند او را به سوی خود فراخواند، گمان بردید که خدای متعال دین خود را باطل کرده است و یا آن را که بین خود و بندگانش قرار داده بود، قطع کرده؟! هرگز چنین نیست و چنین چیزی نخواهد بود تا قیامت و رستاخیز به پا شود و امر خداوند ظاهر گردد؛ گر چه ناراضی باشند...»^{۲۵}

دوره پنجم: در دوران ظهور

اما در دوران ظهور و قیام و انقلاب امام مهدی علیه السلام ماجرا به گونه دیگری خواهد بود؛ چرا که یکباره قرآن مجید از غربت و هجران بیرون می‌آید، آن زمان، وقت حاکمیتش و هنگام اجرای قوانین روح‌بخش آن و زمان داوری به آن است.

آری، آن دوران وقت ظهور کتابی است که قرن‌ها مردم از آن فاصله گرفته و طبق هواهای نفسانی خود به تأویل و تفسیر آن پرداخته‌اند. آن روز زمان نشستن بر سر سفره معارف قرآنی و بهره جستن از حقایق پنهانش می‌باشد. اینک همراه ما باشید تا در محضر قرآن و در کنار امام زمان به هنگام ظهورش باشیم.

اولین سخن

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آن زمانی که امام مهدی علیه السلام ظهور می‌کند، به کعبه تکیه می‌کند؛ در حالی که ۳۱۳ نفر نزد او جمع شده‌اند. اولین سخن و گفته‌اش این آیه است: ﴿بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^{۲۶}؛ «آنچه خداوند برای شما باقی گزارده، برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید». سپس می‌فرماید: «منم بقية الله و من حجت خدا و خلیفه او بر شمایم». پس سلام کننده‌ای بر او سلام نمی‌کند، مگر آنکه می‌گوید: السلام علیک یا بقية الله فی ارضه، و زمانی که نزد او چهار هزار نفر جمع شوند، از مکه بیرون می‌رود و در روی زمین معبودی غیر از خدای عزوجل از بت و غیر آن باقی نمی‌ماند، مگر آنکه آتش در آن می‌افتد و خواهد سوخت.^{۲۷}

استناد به آیه‌ای دیگر

جابر بن یزید جمعی از امام محمد باقر علیه السلام درباره حوادث روز ظهور امام مهدی علیه السلام نقل کرده که ماجرای فرو رفتن لشکر سفیانی در سرزمین بیداء در وقتی خواهد بود که حضرت قائم علیه السلام در مکه به خانه خدا تکیه کرده و به خانه پروردگار خود پناه برده است. امام علیه السلام در آن هنگام فریاد می‌زند: «ای مردم! ما از خداوند کمک و یاری می‌طلبیم. پس هر که به ندای ما لبیک گوید، ما اهل بیت پیامبران حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشیم و به خدا و پیامبرش نزدیک هستیم.

ای مردم! هر که با من درباره آدم حاجه و گفتگو کند، من به حضرت آدم نزدیک‌ترم، و هر که درباره نوح با من حاجه کند، من از دیگران به حضرت نوح نزدیک‌ترم، و هر کس با من درباره ابراهیم حاجه کند، من از هر کس دیگر به ایشان نزدیک‌ترم، هر کس با من درباره حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله حاجه کند، من به او از دیگران نزدیک‌تر هستم و هر کس با من درباره پیامبران گفتگو کند، من از دیگران به همه پیامبران نزدیک‌ترم. آیا خداوند در کتاب خود نمی‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾^{۲۸}؛ خداوند آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان برتری داد.

ای مردم! من یادگار آدم و دخیره نوح و برگزیده ابراهیم و حضرت محمد هستم. هان، ای مردم! هر که با من درباره کتاب خدا حاجه کند، پس من به کتاب خدا از همه نزدیک‌ترم و هر که با من درباره سنت رسول خدا گفتگو و مناظره کند، پس من به سنت رسول خدا از همه کس نزدیک‌ترم.

خدای را گواه می‌گیرم، هر که امروز سخن مرا شنید به افراد غایب پیام مرا برساند، شما را به حق خدا و پیامبرش صلی الله علیه و آله و به حق من که بر شما حق قربایت با رسول خدا دارم، ما را یاری دهید و از کسی که به ما ستم می‌کند، جلوگیری کنید؛ چرا که ما را ترسانده‌اند و به ما ظلم شده است و از شهر و دیارمان طرد شده‌ایم و از حقمان جلوگیری کرده‌اند. اهل باطل به ما افترا بسته‌اند. ای مردم! خدا را درباره ما در نظر بگیرید. ما را تنها نگذارید و یاری‌مان کنید که خداوند شما را یاری خواهد کرد».^{۲۹}

مضطر حقیقی

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زمانی که حضرت قائم علیه السلام ظهور می‌کند، داخل مسجد الحرام شده، روبه روی کعبه ایستاده، پشت به مقام حضرت ابراهیم دو رکعت نماز می‌خواند، سپس از جای برخاسته، می‌گوید: ای مردم! من از هر کس دیگر به حضرت آدم نزدیک‌ترم، من به حضرت ابراهیم از

دیگران اولی هستیم، من به حضرت اسماعیل اولی هستم. ای مردم! من از دیگران به پیامبر ﷺ اولی هستم. سپس دو دست خود را به سوی آسمان بالا برده، پروردگار خویش را می خواند و به درگاهش گریه و زاری و التماس می کند تا اینکه با صورت به زمین می خورد. و همین است معنای فرمایش خداوند که فرموده: ﴿أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾^{۲۰}؛ یا کسی دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد و شما را خلفای زمین قرار می دهد. آیا مبعودی با خداست؟ کمتر متذکر می شوید.^{۲۱}

جهاد با تأویل گران قرآن

بخش دیگر سیره قرآنی امام مهدی ﷺ این است که وی به هیچ گونه اجازه نمی دهد تا برخی از دشمنان، قرآن را وسیله و دستاویزی برای جنگ با امام زمان قرار دهند. فضیل بن یسار گوید: از امام جعفر صادق ﷺ شنیدم که می فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام می کند، از جهل و نادانی مردم بیش از آنچه که پیامبر ﷺ از مردم دید، می بیند. گوید عرض کردم: چگونه؟

فرمود: پیامبر ﷺ وقتی مبعوث شد که آنان سنگ و چوب تراشیده شده را پرستش می کردند. اما زمانی

که قائم ما قیام می کند، مردم به سویش می آیند و همه آنها کتاب خدا را در برابر او تأویل می کنند و با آن حضرت به احتجاج و لجاجت می پردازند.^{۲۲}

و در روایت دیگری امام صادق ﷺ می فرماید: «هنگامی که قائم ﷺ ظهور می کند، (گروهی) بر او خروج می کنند و با تأویل کردن قرآن به دفاع از آن می پردازند و با این بهانه با حضرت به جنگ بر می خیزند».^{۲۳}

ایجاد فضاهای قرآنی

محمد ابراهیم نعمانی در کتاب النبیة به چند حدیث اشاره می کند که دلالت بر ایجاد فضاهای قرآنی از سوی امام زمان دارد. بر اساس برخی از این روایات، این مسئولیت به یاران و به شیعیان و در برخی دیگر این به دست ایرانیان سپرده می شود.

حبه عرنی گوید: امیرمؤمنان فرمود: «گویا می بینم که شیعیان ما در مسجد کوفه چادرهایی برقرار ساخته اند و به مردم قرآن را همان گونه که نازل شده، می آموزند».^{۲۴} اصبح بن نباته همین روایت را از امیرمؤمنان درباره عجم نقل کرده است.^{۲۵}

بهره مندی زنان از کتاب خدا

مصدق های بارز ایجاد این گونه فضاها، دستیابی زنان به معارف الهی و استفاده بهتر از کتاب خدا و

وحی آسمانی است. حمران بن اعین گوید: از امام ابو جعفر (محمد باقر) ﷺ شنیدم، می فرمود: «گویا می بینم دین شما پیوسته در خون خود دست و پا می زند و بر نمی گرداند آن را برای شما، مگر مردی از ما اهل بیت ﷺ پس در هر سال دو مرتبه به شما عطا و بخشش خواهد کرد و در هر ماه دو مرتبه حقوق و روزی خواهد داد و در زمان او به حکمت و دانش می رسید؛ به گونه ای که حتی زن در خانه خویش به کتاب خدا و سنت رسول الله به داوری می پردازد».^{۲۶}

همراه داشتن قرآنی که امام علی ﷺ جمع کرد

در تفسیر برهان در ذیل آیه ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ﴾ گفته است: آنان اختلاف کردند، همان طور که این امت اختلاف ورزیدند در آن کتاب که همراه قائم است و برای ایشان می آورد؛ تا اینکه بسیاری از مردم آن را انکار می کنند. پس او جلو ایشان می آید و گردنشان را می زند.^{۲۷}

طبرسی در کتاب احتجاج از ابوذر نقل کرده است: چون رسول خدا ﷺ در گذشت، علی ﷺ بنا بر وصیت پیامبر قرآن را جمع کرد و نزد مهاجرین و انصار آورد و آن را بر ایشان عرضه داشت. چون

ابوبکر آن را گشود و در نخستین صفحه آن فضیحت های آنان بیرون آمد، عمر آن را پرتاب کرد و گفت: یا علی! آن را بازگردان که به آن نیازی نداریم. حضرت آن را گرفت و بازگشت. چون عمر به خلافت رسید، از علی ﷺ درخواست کرد که آن قرآن را به آنها بازگرداند و گفت: یا ابا الحسن! کاش قرآنی را که برای ابوبکر آوردی، اکنون بیاوری تا بر آن گرد آییم. آن جناب فرمود: هیهات، راهی به آن نیست. آن را آوردم تا بر شما حجت تمام شود و روز قیامت نگویید که ما از آن غافل بودیم، یا بگویید آن را برای ما نیاوردی. قرآنی که نزد من است، بر آن دست نمی گذارد مگر پاکیزگان و اوصیایی از فرزندانم. عمر گفت: آیا برای اظهار کردن آن وقت معلوم است؟ امام فرمود: آری، زمانی که قائم فرزندان من قیام کند، آن را آشکار سازد و مردم را بر آن وا می دارد و سنت الهی را جاری می کند».^{۲۸}

در اینجا باید توضیح دهم که ممکن است امیرمؤمنان برخی مطالب را از زبان پیامبر به عنوان توضیح و تفسیر برخی آیات نقل کرده بود که خوشایند عمر بن الخطاب نبوده است. لذا قرآن را پرتاب می کند، اما پس از تثبیت خلافت خودش از امیرمؤمنان می خواهد که همان را بیاورد تا بر گرد آن جمع شوند، اما با پاسخ منفی امیرمؤمنان روبه رو می شود.

پی نوشتها

۲۷. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵. در متن اصلی
جایش مشخص نیست.
۲۸. آل عمران/۳۳.
۲۹. کتاب الغیبة، ص ۲۷۹.
۳۰. نمل/۶۲.
۳۱. تأویل الآیات، ج ۱، ص ۴۰۲.
۳۲. کتاب الغیبة، ص ۲۹۷.
۳۳. همان.
۳۴. همان، ص ۳۱۸.
۳۵. همان.
۳۶. کتاب الغیبة، ص ۲۳۹.
۳۷. تفسیر برهان، ج ۲، ص ۹۶۴.
۳۸. ستاره درخشان، ص ۴۵۹، به نقل از احتجاج
طبرسی.



۱. اعراف/۵۳.
۲. تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۳۵.
۳. الخرائج و الجرائح، ج ۱، ص ۴۵۵.
۴. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۲۶.
۵. همان.
۶. قصص/۵.
۷. غیبة شیخ طوسی، ص ۱۴۰.
۸. دلائل الامامة، ص ۲۶۸.
۹. الهدایة الكبرى، ص ۷۰.
۱۰. طه/۱۲.
۱۱. مریم/۱.
۱۲. اعراف/۱۵۵.
۱۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۴۵۴.
۱۴. انسان/۳۰.
۱۵. با خورشید سامرا، ص ۳۶۷.
۱۶. احقاف/۱-۶.
۱۷. احتجاج، ج ۲، ص ۴۶۸.
۱۸. مائده/۱۰۱.
۱۹. اعلام الوری، ص ۴۲۳.
۲۰. نمل/۶۵.
۲۱. طه/۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۶.
۲۲. معادن الحکمه، ج ۲، ص ۲۸۲.
۲۳. نساء/۵۹.
۲۴. مقصود امام حسن عسکری علیه السلام است.
۲۵. کتاب الغیبة، ص ۱۷۲.
۲۶. هود/۸۶.